

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

آیه مورد بحث

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»

جایگاه اخلاص در زندگی و دینداری ما

در جلسه‌ی قبل به مناسبت میلاد صدیقه‌ی کبری سلام الله علیها، کلمه‌ی کوثر مورد بحث قرار گرفت و مطرح شد، که منظور از کوثر که همان خیر کثیر است، خیر دنیا و حتی تمام دنیا نیست؛ زیرا خدای متعال در قرآن کریم در یک آیه می‌فرماید: "وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ" و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: "فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ". در واقع خدای متعال خیر معنوی را به عنوان مصداق خیر کثیر اراده فرموده است.

یکی از بحث‌های مطرح در این آیه‌ی کریمه از سوره‌ی مبارکه‌ی زمر، بحث اخلاص است، که با ما و دنیای ما و زندگی ما و دینداری ما و اعمال به اصطلاح صالحه‌ی ما، مناسبت دارد. خدای متعال در قرآن کریم از اخلاص بسیار یاد کرده است و در روایات بسیاری هم از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین در این مورد، نکاتی وجود دارد. کسی که تلاش کند و از خدای متعال طلب توفیق نماید، حق تعالی از مفهوم این کلمه چیزی نصیب او می‌کند.

انسان‌هایی که خود را دو بعدی و متدین می‌دانند، در زندگی خود دو نوع عملکرد دارند. یک نوع عملکرد، در حالی که عمل کننده به یاد خدای متعال و رضای او و ارتباط آن عمل با حق تعالی نباشد، هم قابل انجام است؛ مانند کسب و کار، ازدواج، غذا خوردن، خوابیدن، راه رفتن، تفریح کردن و مسافرت رفتن. البته افرادی که از آن‌ها به عنوان انسان‌های متشرع و متدین تعبیر می‌شود، افرادی مقید به تکالیف ظاهری شرعی خود هستند، که در حین زندگی روزمره‌ی خود، واجبات را ترک نمی‌کنند.

بررسی دقیق پرونده‌ی افراد در قیامت

هنگامی که پرونده‌ی انسان، در قیامت در برابر او، باز و به دست خودش داده می‌شود، با تعجب نگاه می‌کند و عرض می‌کند: "مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَأَيْعَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَأَكْبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا". این پرونده متعلق به کیست، که این‌گونه دقیق است؟ چیزهایی را که از یاد برده و مثلاً در اوائل زندگی و در جوانی انجام داده و به حساب نمی‌آورده، همه در این پرونده موجود است. بسیاری از این پرونده‌ها، مگر موارد جزئی که مربوط به اولیاء خدا است، به مشکل برمی‌خورد.

پرونده‌ای پر از کارهای به ظاهر خوب، مثل انفاق کردن، خواندن نمازهای مستحبی، گرفتن روزه‌های مستحبی، گفتن ذکرهای زیاد، فرد را معتقد کرده، که بار خود را بسته است و اهل نجات می‌شود و همنشین اولیاء خواهد بود. در مقابل این پرسش، که آیا این کارها مربوط به شما است، محکم و با اطمینان خاطر پاسخ می‌دهد، که بله من کرده‌ام؛ این عمره را، این کربلا را، این مشهد را من رفته‌ام؛ این نافله‌ی شب را من خوانده‌ام. خدای متعال در قرآن، در رابطه با نافله‌ی شب می‌فرماید، که اگر کسی برای خدا این امر مستحب را انجام دهد، خدای متعال در قیامت به او مقام محمود می‌دهد.

سپس مأمور حق تعالی شروع به بررسی می‌کند. یک یک این کارها، مانند میوه‌ی آفت زده از کار در می‌آید و کنار می‌رود. در بعضی از موارد محموله‌های میوه‌جات یا کالاهایی که به کشورهای دیگر صادر می‌شود، پس از بررسی بازرسان کیفیت در آن کشورها، معیوب تشخیص داده و عودت می‌شود. این اعمال صالحه و مستحباتی که شخص به خیال خودش انجام داده و در پرونده‌اش منعکس است، یک یک مورد بررسی قرار می‌گیرند و با مشخص شدن ایرادها کنار می‌رود. این وضعیت برای مقدس‌نماها نیست، بلکه پرونده‌ی مقدس‌های واقعی، حتی علما هم در آن جا به همین روش بررسی می‌شود.

رد شدن اکثر اعمال خوب، به علت وجود ناخالصی

یکی از علما را که از دنیا رفته بود در عالم خواب دیدند و از او پرسیدند که نحوه‌ی برخورد با شما چگونه بود. این فقیه بزرگ جواب داده بود که در پاسخ ماموران گفتم، که مثلاً چند جلد کتاب فقه، چند جلد اصول و چند جلد اخلاقیات نوشته‌ام. هنگامی که مامورین الهی این کتاب‌ها را بررسی کردند، همه‌ی کتاب‌ها مانند همان میوه‌های آفت زده، مردود و کنار گذاشته شد. گفتند این‌ها که خاصیتی نداشت، دیگر چه داری؟ او گفت من دیگر چیزی ندارم.

رد شدن اکثر اعمال خوب، به علت وجود ناخالصی است. این ناخالصی به نحوی است که شیطان نمی‌گذارد خود شخص هم متوجه شود، که عملش با اخلاص نیست. انسان دو نوع عمل دارد. اعمال عبادی، یعنی آن کارهایی که از نوع عبادت است و قصد قربت لازم دارد. به تعبیر مرحوم امام رضوان الله تعالی علیه اعمالی وجود دارد، که آن‌ها هم نیت و قصد قربت نیاز دارد، ولی عبادت محسوب نمی‌شود. به این اعمال، مثل وجوهات و زکات دادن، اعمال قربی گفته می‌شود. این کارها هم اخلاص می‌خواهد و در صورت نقص در این امر، خاصیت ندارد.

هدف از این‌گونه بحث، پیدا کردن ارتباط آن با زندگی روزمره ما است، زیرا مطرح کردن نکات متعدد، در حالی که ارتباط آن با زندگی ما روشن نیست، تنها موجب خوشحال شدن شیطان می‌شود. بدین ترتیب با توجه به آن میزان‌ها و ترازوهای الهی، برخی از به خود بالیدن‌ها و توهّمات برطرف می‌شود. به فرد گفته می‌شود که این کتاب‌هایی که شما نوشتید، برای این بود که معروف شوید، نماز شب خواندید که وسعت رزق پیدا کنید، صدقه دادید که رفع قضا بلا شود، دزدی و خیانت نکردید و دروغ نگفتید و ظاهر الصلاح بودید که معروف شوید که آدم خوب و متدینی هستید. در دنیا به نتایج دلخواه خود رسیدید. پس از رسیدن به این اهداف، نمی‌توانید در آخرت مطالبه‌ای از حق تعالی داشته باشید.

وقتی آن فرد عالم از اعمال خود ناامید شد و گفت من چیز دیگری ندارم، به او گفته شد، اما عمل دیگری هم داری که خودت یادت نیست، ولی در پرونده‌ات منعکس است. فصل سیب بود، مقداری سیب خریدی و در دستمال خود ریختی. در آن کوچه‌ی خلوت که کسی هم غیر خودت نبود، همسایه‌ای داشتی که از دنیا رفته بود. با مشاهده‌ی فرزند یتیم آن همسایه، دلت به این حال بچه رقت کرد. برای خوشحال کردن او، یک دانه از آن سیب‌های سرخ را از دستمال در آوردی و به دست بچه دادی. او هم با خوشحالی به سمت خانه دوید و به مادر خود گفت که یکی به من این سیب را داد. آن جا هیچ محرک و انگیزه‌ای در باطن تو، جز این که با خوشحال کردن این بچه‌ی یتیم، خدای متعال را از خود راضی کنی، نداشتی. این یک کار خالص بود و همین یک سیب کارهایت را درست کرد.

حساسیت در بررسی اعمال، به لحاظ نیت و انگیزه

بررسی‌ها در آن جا به مراتب دقیق‌تر از این جا است. حساسیت هم روی نیت و انگیزه است. اگر یک هزارم نیت و انگیزه هم غیر خدا باشد، این عمل به درد خدای متعال نمی‌خورد. در روایات بسیار در باب صدقات داریم، که مستحب است صدقه دهنده آن گونه به شخص فقیر صدقه بدهد، که اگر با دست راست خود صدقه داد، مثل این که دست چپ او نفهمیده است. با دست خود پول را در دست فقیر نگذار، بلکه پول را کف دست خود بگذار و دستت را زیر دست فقیر قرار بده، تا او پول را از دست تو بردارد. چون دست آن فقیری که صدقه را از شما می‌گیرد دست خدای متعال است.

ما از فرهنگ الهی و توحیدی خبر نداریم. اخلاص در نیت مربوط به همه‌ی اقشار، حتی علما است. برادر مرحوم آسید محمد باقر موسوی همدانی که در سندج برای شیعیان منبر می‌رفت، به قم آمد. از مرحوم امام درخواست کردیم، که با توجه به فعالیت‌های تبلیغی این شخص برای شما، مناسب است که شما را به دیدن او ببریم. ابتدا مرحوم امام بیماری مختصر خود را بهانه برای نیامدن قرار دادند، اما وقتی با اصرار حاضران روبرو شدند، گفتند: من برای این دیدار اخلاص ندارم. زیرا شما گفتید که برای تو تبلیغ کرده، ممکن است یک جزء از اجزاء نیت من، که من را وادار به آمدن می‌کند، الهی نباشد.

این مطالب الهی، قرآنی و معنوی با زندگی ما مربوط است. نباید تصور کرد که همه نسبت به حق تعالی خالص و مخلص هستند. مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری رضوان الله تعالی علیه از مراجع قم بود. به مناسبتی ایشان با جمعی از علمای بزرگ، مثل مرحوم آیت الله خوانساری و مرحوم امام رحمه الله علیه، در منزل یکی از متدینین مهمان بودند. به علت سرما و مشکل تردد، همگی شب را در منزل میزبان سپری کردند. آقاشیخ عباس تهرانی که در آن جمع حضور داشت، گفت کسانی که آن جا ماندند، همه قبل از اذان صبح، مشغول نماز شب شدند. تنها آسید محمد تقی خوانساری بود که یک ربع به آفتاب برخاست، وضو گرفت و دو رکعت نماز صبح خواند و دوباره دراز کشید.

بهترین علمای قم به آسید محمد تقی ارادت داشتند. او کسی است که نماز باران خواند و باران آمد. در خشک‌سالی قم، مردم از مراجع درخواست کردند، که به بیابان برویم و نماز استسقاء بخوانیم. هر کدام عذر و بهانه‌ای آوردند و قبول نکردند. اما آسید محمد تقی خوانساری فکری کرد و گفت فردا ساعت هشت من می‌آیم. آقایانی که عذر آوردند ناراحت شدند، زیرا تصور می‌کردند که نماز خواندن او هم بی‌فایده است و موجب سرشکستگی علما می‌شود. لذا شخصی را فرستادند تا ایشان را منصرف کند. آسید محمد تقی در جواب گفت: من به مادرم متوسل شدم، سپس به مردم جواب مثبت دادم. یقین دارم مادرم آبروی من را حفظ می‌کند. این قصه‌ها چون واقعیت دارد بسیار ارزش دارد. آن قدر رابطه‌ی این مرد با اجداد طاهرینش مثبت و محکم بوده، که پس از لحظه‌ای فکر کردن، اعلام آمادگی کرده است. بدین ترتیب مشخص شد که روح و دل آسید محمد تقی با اولیاء خدا چه ارتباطی دارد.

توجه به حجم مستحبات و عدم توجه به اخلاص، دسیسه‌ی شیطان

آقاسید محمد تقی می‌ترسد که نیت نماز شب او صددرصد خالص نباشد. روی این مسئله در جامعه‌ی متدین کمتر تکیه می‌شود، در حالی که حجم زیاد مستحبات مورد توجه است. این پیام شیطان است، که الان مصلحت اقتضا می‌کند که شما مستحبات را به‌جا بیاورید که دیگران هم تشویق شوند. کسی که اخلاص صد در صد ندارد، با انجام اعمال، به جهل و غرور مبتلا می‌شود، که مثلاً من کسی هستم که چهل سال است نماز شب من ترک نشده. مرحوم آشیخ مرتضی زاهد، به مرحوم حاج آقا فرمود: اگر به شما گفتند پیش نمازی چهل سال مرتب اول ظهر در مسجد بوده

پنج‌شنبه، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

و نماز جماعت او یک روز تعطیل نشده است، یقین کنید که فاسق است. زیرا امکان ندارد در این مدت هیچ کاری واجب‌تر از نماز اول وقت در مسجد نداشته باشد.

شیطان می‌خواهد روح عبادت و تعبد و اخلاص را از متدینین بگیرد. متأسفانه مشاهده می‌شود که بحث اخلاص مورد توجه گویندگان نیست و به مانند این است که اجماعی برای این نگفتن، صورت گرفته است. علما برای مرحوم شیخ فضل الله نوری شهید رضوان الله تعالی علیه پیغام دادند که مشروطیت به نتیجه می‌رسد و علما هم همه موافقت کردند. فقط شما یک نفر مخالف هستید. برای خود خطر جانی درست نکنید. ایشان جواب داد که می‌دانم چنین خواهد شد و کسی حرف مرا گوش نمی‌کند، ولی اگر من سکوت بکنم، در آینده خواهند گفت، علما در مشروع بودن نظام مشروطه اجماع کرده‌اند. من خود را به کشتن می‌دهم که در تاریخ ضبط شود، که نگویند علما در فلان تاریخ اجماع کرده‌اند که مشروطه صحیح است و بقیه‌ی مردم هیچ تقصیری ندارند. من سکوت نمی‌کنم و به هیچ کدام از سفارت‌خانه‌ها پناهنده نمی‌شوم، تا کشته بشوم.

یکی از بزرگانی که شهرت و نامی نداشته، ولی از اولیاء خدا در نجف بوده است، هنگامی که مرحوم شیخ نوری رضوان الله علیه، طلبه‌ی هفده هیجده ساله بوده، خطاب به او و طلبه‌ای که هم‌مباحثه‌ی شیخ بوده است، می‌گوید که آن طلبه در نجف می‌ماند و مرجع می‌شود و به شیخ هم می‌گوید: شما به تهران می‌روید و شهید می‌شوید.

شخصی از متدینین بازار می‌گفت: من نماز شب می‌خوانم، تا به وعده‌ی خدای متعال در قرآن کریم، یعنی به مقام محمود برسم. اما او توجه نداشت که حق تعالی نفرموده است که به هر کسی که نماز شب بخواند، مقام محمود می‌دهیم، بلکه آن نماز شبی که نیت آن فقط طلب رضای خدا باشد و نمازگزار اخلاص داشته باشد، به این نتیجه می‌رسد.

بنابراین پرونده‌های انسان‌های به ظاهر خوب، که مستحبات و عبادت زیاد به‌جا می‌آورند، در آن جا باز می‌شود و مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد و موارد آفت‌زده جدا می‌شود. در این شرایط ممکن است که اندوخته‌ای برای این شخص باقی نماند. در صحت این نکته تردیدی وجود ندارد و مورد یقین است.